

فهرست

نُه	یادداشت مترجم
۱	پیش‌گفتار
۹	پیش‌درآمد
۱۱	گریز! ۲۸ اکتبر ۱۹۱۰

کتاب نخست: سال‌های پیش از (۱۸۷۹-۱۸۲۸)

۱۷	۱. آزمون‌های اوایل ازدواج
۲۸	۲. گریز از ازدواج
۴۰	۳. دو عشق کاملاً متفاوت
۵۲	۴. خواستگاری رعدآسا
۶۳	۵. سرانجام: ازدواج — با وجود تردیدها
۶۸	۶. یاسنایا پولیان، حسدورزی سونیا و جنگ و صلح
۷۹	۷. آنا کارینا
۸۸	۸. بحران میان‌سالی تالستوی

کتاب دوم: سال‌های واپسین (۱۹۱۰-۱۸۷۹)

۱۰۵	۱۰. قدیس آشفته
۱۲۱	۱۱. ظهور چرتکوف
۱۴۳	۱۲. سونات کروتر
۱۶۳	۱۳. کشمکش و آثار نیکو
۱۹۴	۱۴. دلباختگی شگفت سونیا

۱۵. در هفتاد سالگی بدون آرامش و آسایش	۲۲۵	عشق و نفرت	هشت
۱۶. جنگ و انقلاب، بیماری و مرگ	۲۵۹		
۱۷. بازگشت چرتکوف	۲۷۳		
کتاب سوم: آخرین سال (۱۹۱۰)			
۱۷. آغاز پایان	۳۰۵		
۱۸. آخرین ماه	۳۲۸		
۱۹. آخرین هفته‌ها	۳۵۱		
۲۰. روزهای آخر	۳۷۰		
۲۱. گریز	۳۹۸		
پیامد			
منابع و مأخذ	۴۳۹		
تصاویر			
اعلام	۴۴۳		
۴۴۷			
۴۷۷			

یادداشت مترجم

آگاهی از اینکه لئو تالستوی برای مبارزه بر اساس «پرهیز از خشونت» الهام‌بخش مهاتما گاندی بوده است، و او برای حل مسئله دشوار هندی‌های مقیم افریقای جنوبی، در زمان تبعیض‌نژادی در نامه اول اکتبر ۱۹۰۹، از تالستوی رهنمود و اجازه ترجمه «نامه تالستوی به یک هندو» را خواسته است، و پاسخ فروتنانه تالستوی به گاندی، در تاریخ ۷ اکتبر ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ مه ۸ و ۴۰، بر جاذبه این کتاب افزود. امیدوارم شما نیز از مطالعه‌اش محظوظ شوید.

پیشگفتار

این کتاب در بی جست و جوی پاسخ به این پرسش شکل گرفت که چرا زندگی طولانی و پر ثمر لئو تالستوی به شکلی عجیب، نامعقول و مصیبت‌بار پایان یافت؛ چنان که در آخرین روزها در مکانی دورافتاده بسیار تنها بود. این کتاب صرفاً زندگی نامه نویسنده بزرگ و موعظه‌گر اخلاقی روسیه نیست، درباره زندگی خیره‌کننده او نیز نیست. به جز دو ترجمه انگلیسی از دو نویسنده روس، که هفتاد و پنج سال پیش نوشته شده‌اند، هیچ کتابی به زبان انگلیسی ندیده‌ام که به دلایل رنج سال‌های پایانی زندگی این نابغه برجسته ادبی و همسر بالستعداد دردم‌مندش و پایانی چنین غمناک در زندگی‌شان پرداخته باشد.

همه مورخان و زندگی‌نامه‌نویسان بر اساس مطالب پیشینیان خود نوشته‌اند و شخصاً مدیون چند تن از آن‌ها نیز هستم. اما این کتاب عمدهاً بر مبنای خاطرات، یادداشت‌ها و نامه‌های لئو تالستوی و همسرش، دخترش تانیا و دکتر دوشان پ. ماکوویتسکی^۱ – پزشک خانوادگی و مقیم خانه‌شان، – والنتین بولگاکوف^۲ – آخرین منشی جوان نویسنده بزرگ – و به شهادت دست اول فرزندان تالستوی – سرگئی، ایلیا، تانیا، و آلساندرا – نوشته شده است و ولادیمیر چرتکوف^۳، پیرو و دوست نزدیک، موذی و فریبکار بیست و هفت سال آخر زندگی تالستوی و دشمن

1. Dushan P. Makovitsky

2. Valentin Bulgakov

3. Vladimir Chertkov

۲ عشق و نفرت

سرسخت بانو تالستوی نیز خاطرات غیرقابل اعتمادش را به جا نهاده است.

سال‌ها، زندگی‌نامه‌نویسان تالستوی – همان‌گونه که آیلین کلی^۱ پژوهشگر متخصص در آثار تالستوی اشاره کرده است – همسر تالستوی را از دریچه نگاه خود تالستوی می‌نگریستند. اما وقتی در سال ۱۹۷۸، متن معتبری از خاطرات بانو تالستوی به روسی منتشر شد، نگرش همه کسانی را که درباره تالستوی می‌نوشتند تغییر داد تا دیگر او را به سیمای زانتیپه^۲ همسر شرور سقراط و منشأ عذاب‌های تالستوی نبینند. آر. اف کریستین^۳، پژوهشگر بریتانیایی تالستوی، می‌گوید بدون بررسی دقیق خاطرات سونیا نمی‌توان زندگی‌نامه معتبری از تالستوی نوشت. چون فقط همسر او می‌توانست با چنین شناخت و صراحتی درباره‌اش بنویسد.

من شخصاً به دقت از خاطرات او استفاده کرده‌ام. مسلماً به آنچه تغییر ماهیت یا اغراق یا گاه دروغی آشکار بوده نیز توجه داشته‌ام. تا ۱۹۸۵، که کتی پورتر^۴ خاطرات سونیا تالستوی را منتشر کرد، متن کاملی از این خاطرات در دسترس نبود؛ هرچند در ۱۹۲۸–۲۹ الکساندر رث^۵، یکی از همکاران قدیمی من در میان خبرگزارهای خارجی در اروپا، خلاصه‌ای از این خاطرات را منتشر کرده بود، که به خاطرات پیش از ۱۸۹۷ محدود می‌شد، یعنی سیزده سال پیش از آنکه تنیش میان تالستوی و همسرش به اوج نامطلوب خود برسد. تا آن زمان اتحاد جماهیر شوروی هنوز خاطرات سونیا تالستوی را به روسی منتشر نکرده بود.

از آنجا که خاطرات این دوران، که مهم‌ترین خاطرات اوست، به انگلیسی ترجمه نشده بود، به آموختن زبان روسی پرداختم تا بتوانم آن‌ها را بخوانم. کاری که معلوم شد فراتر از توان من است، هرچند به طور مختصر توانستم تا حدودی این زبان را بخوانم. اما همسرم ایرینا لوگوفکایا^۶، که روس است،

1. Aileen Kelley

2. Xanthippe

3. R. F. Christian

4. Cathy porter

5. Alexander Werth

6. Irina Lugovskaya

توانست در ترجمه متنون و همچنین فهم فرهنگ روسی، که از بسیاری جهات و رای درک یک بیکانه است، به من کمک کند.

نوشته‌های لتو تالستوی را، که شامل آثار ادبی، خاطرات و نامه‌هایش در ۹۰ جلد می‌شود، اتحاد جماهیر شوروی در سال‌گرد تولدش طی سال‌های دهه ۱۹۲۰ منتشر کرد. گزیده قابل توجهی از خاطرات و نامه‌هایش نیز به ترجمه انگلیسی آر.اف.کریستین^۱ در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۵ انتشار یافت. یکی از منابع انگلیسی ارزشمند در مورد زندگی تالستوی، تلاش آخر، ویراسته سرگئی تالستوی بزرگ‌ترین پسر او و آیلمر مود^۲ مترجم انگلیسی، دوست و زندگی نامه‌نویس تالستوی است. این کتاب نه تنها حاوی چکیده‌هایی از خاطرات و نامه‌های تالستوی و همسرش در ۱۹۱۰، آخرین سال زندگی تالستوی است بلکه نامه‌ها و خاطرات کسانی را نیز که در اواخر عمرش به او نزدیک بودند در بر می‌گیرد. صدها زیرنویسی که سرگئی تالستوی بر این کتاب نوشته و بسیاری از رویدادها و روابط را توضیح می‌دهد بسیار ارزشمند است.

خاطرات و دفاتر لتو و همسرش هم از نظر ادبی و هم از نظر منابع اطلاعاتی درباره زندگی، اندیشه‌ها و روابط ناخوشایندشان با هم منحصر به فرد است. به جز اعترافات آگوستین و روسو، که بسیار صریح و بی‌برده‌اند، نمی‌توانم اعترافات دیگری مشابه آن را به یاد آورم. روز به روز و سال به سال، درونشان و اندیشه‌هایی را که رو به تلحی فزاینده‌ای درباره یکدیگر است به روی کاغذ می‌آورند. در طی تمام این سال‌ها نیز می‌گذاشتند آنچه می‌نویسند دیگری بخواند و این نوعی ارتباط ناهنجار میان آن‌ها بود.

گاه از اینکه خاطراتشان دیگری را آزده بود متأسف می‌شدند و می‌گفتند وقتی حالشان خوش نبود آن را نوشته‌اند و واقعاً چنان منظوری نداشتند.

۴ عشق و نفرت

مثلاً در اواخر سال ۱۸۹۴، تالستوی به چرتکوف نوشت همه نسخه‌های خاطرات سال ۱۸۸۴ او را نابود کند و نسخه اصلی را به او بازگرداند. در خاطرات آن سال او بهشدت از همسر و پسرانش انتقاد کرده بود. تالستوی گفت تصادفی خاطرات خودش را خواند و بهشدت احساس شرم و ندامت داشت و ترس از اینکه خواندن آن خاطرات چه اندوهی در افرادی که این سخنان ناخوشایند و بی‌رحمانه درباره‌شان گفته شده ایجاد می‌کند.

این خاطرات بیش از حد ناخوشایند است. در دنای اینها را اشخاصی جز خودت خوانده باشند. حتی کسی که آنها را رونویسی می‌کند، چون هر چه در آنها نوشته شده تحت تأثیر همان لحظه بوده است و اغلب بسیار بی‌رحمانه و غیر منصفانه‌اند. وانگهی چون بیشتر درباره روابط نزدیک بوده‌اند، وفاحت دارد که آنها را نوشته‌ام و از آن بدتر اینکه اجازه داده‌ای جز خودت کسی آن را بخواند ... حتی فکر اینکه دشمنان ممکن است از کلمات و عبارات این خاطرات ضد کسانی، که از آنها نام برده شده، استفاده کنند خوفناک است.

سونیا نیز از بسیاری از چیزهایی که درباره همسرش نوشته بود، دست‌کم در آغاز زناشویی‌شان، پشیمان بود و نوشت فقط وقتی افسرده یا دلخور بود، خاطراتش را می‌نوشت. (آن سال فقط همین را نوشته است). «خنده‌ام می‌گیرد. چقدر ضد و نقیض. گویی بدیخت‌ترین زن بودم! اما چه کسی می‌توانست از آن خوشبخت‌تر باشد؟ آیا ازدواجی می‌توانست از آن سعادتمدانه‌تر یا مسالمت‌آمیز‌تر باشد؟ ... همیشه وقت‌هایی که با هم بحث داریم در دفتر خاطراتم می‌نویسم.»

با گذشت زمان، به تدریج با یکدیگر ناسازگارتر شدند و در خاطراتشان اندیشه‌هایی حاکی از انتقاد از دیگری را نگاشتند و خاطراتشان بیشتر و بیش‌تر احساسات واقعی آنها را نشان می‌داد.

تالستوی گفت: «خاطراتم درونم را آشکار می‌سازند.» احتمالاً همسرش نیز همین را درباره خاطراتش گفته است.

در میان خاطرات فاصله‌هایی وجود دارد. مثلاً تالستوی از ۱۸۶۵ به مدت سیزده سال، که سرگرم نوشتن دو شاهکارش جنگ و صلح و آناکارینا^۱ بود، خاطراتش را ننوشت. فرست یا توان کار دیگری نداشت. سوニا نیز مدتی طولانی نوشتن خاطراتش را کنار گذاشت. یک بار دو سال و نیم پس از مرگ پسر محبوش وانچکا در ۱۸۹۵ در هفت‌سالگی که نمی‌توانست این فقدان جگرخراش را تاب آورد.

جدا از فاصله‌ها، خاطرات تالستوی شامل یک دوره شصت و سه ساله است: از نخستین خاطره‌اش در ۱۷ مارس ۱۸۷۴ که هجده‌ساله بود، تا ۳ نوامبر ۱۹۱۰ که هشتاد و دو ساله و در مکانی عجیب در بستر مرگ بود. سوニا خاطراتش را در شانزده‌سالگی آغاز کرد و خاطرات جدید را از ۸ اکتبر ۱۸۲۶، دو هفته پس از ازدواجش، شروع کرد و تا ۹ نوامبر ۱۹۱۰، روز خاکسپاری تالستوی، به مدت چهل و هشت سال ادامه داد. اگرچه یادداشت‌های روزانه‌اش را تا نه سال بعد، ۱۹۱۹، دو هفته پیش از مرگ می‌نوشت. مجموعه خاطرات و دفاتر ش بالغ بر نیم میلیون واژه است. خاطرات هر دوی آن‌ها، بهویژه خاطرات تالستوی، فراتر از ابراز خشم به دیگری است. تالستوی از خاطراتش برای بیان نظرش درباره هر چیزی، بهویژه مفهوم زندگی و مرگ، بهره می‌برد. خاطراتش مملو از یادداشت‌هایی است درباره شکل گرفتن آنچه در حال نوشتن آن بوده است و اندیشه‌هایش برای رمان‌ها و داستان کوتاه‌ها و مقالات آتی. این خاطرات همچنین نمایانگر تلاش جاودان نویسنده برای نوشتن است، و در مورد تالستوی نشان‌دهنده کشمکش درونی با تردیدها، سستی‌ها، عطش‌های سیری‌ناپذیر و تناقض‌هایش.

1. Anna Karenin

۶ عشق و نفرت

حاطرات سونیا نیز از زندگی روزانه خانواده تالستوی در مسکو و بهویژه در یاسنایا پولیانا، که هر دو بیشتر عمرشان را در آنجا گذراندند، تصویری به دست می‌دهد که از هیچ کس دیگر برنمی‌آید؛ تصویری از مشکلات اداره املاک؛ رسیدگی به خانه؛ بزرگ کردن بچه‌ها و درس و مشق و آموختش آن‌ها؛ پذیرایی از خویشاوندان، دوستان و پیروان تالستوی و شادی و مسئولیت رونویسی‌های مکرر دستنوشته‌های طولانی تالستوی با دستخطی که فقط او قادر به خواندنش بود. و در خاتمه می‌گوید زندگی با یک نابغه آسان نبود، اما ارزنده بود. سونیا تالستوی، هرچند نبوغ ادبی همسرش را نداشت، در نگارش وصف حال ماهر بود.

در سراسر کتاب از تقویم سزاری [ژولیوس]، که در زمان تالستوی به کار می‌رفت، استفاده کردند. این تقویم، در قرن نوزدهم، دوازده روز پیش از تقویم گریگوری (شیوه جدید) بود که در غرب به کار می‌رفت، و در قرن بیستم سیزده روز جلوتر بود، در نتیجه اول ژانویه ۱۹۱۰ در روسیه برابر با ۱۴ ژانویه در غرب بود. تفاوت تقویم‌ها گاه سردرگمی ایجاد می‌کند. اما چون همه تاریخ‌هایی که شخصیت‌های این کتاب به کار برده‌اند طبق شیوه قدیم بوده است، استفاده از آن را منطقی یافته‌ام. اتحاد جماهیر شوروی پس از انقلاب بلشویکی از ۱۹۱۸ شیوه جدید را اتخاذ کرد.

روس‌ها به طور رسمی یکدیگر را با نام کوچک و نام خانوادگی پدری خطاب می‌کنند. به این ترتیب همگان به جز خویشاوندان و دوستان نزدیک بانو تالستوی را « Sofiya آندرفنا » به معنای « سوفیا، دختر آندرئی » خطاب می‌کردند. تالستوی نیز « لئو نیکلایویچ به معنای لئو پسر نیکلای » بود. اویچ^۱ و یویچ^۲ و افنا^۳ و یفنا^۴ در روسی به ترتیب پسوندهای مذکور و مؤنث نام خانوادگی اشخاص هستند. اما این شیوه خطاب کردن یا سخن‌گفتن